

بررسی تطبیقی تاثیر اندیشه های سیاسی در تحولات معماری ایران و ترکیه در سال های ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵ میلادی

مانی یوسفی

دانشجوی دوره دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، نور، ایران
maniusefi@yahoo.com

چکیده

از حدود سال ۱۹۲۵، با به قدرت رسیدن رضا شاه در ایران و آتاتورک در ترکیه، ایده های جدید معماری و شهرسازی همراه با تغییرات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پدیدار شد و معماری به عنوان یک محصول و ابزاری برای تحکیم رفتار سیاسی رهبران این کشورها تحت تاثیر فرایند نوسازی قرار گرفت. تحولات معماری در هر کشور منعکس کننده عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن کشور می باشد و داشتن درک صحیح از جایگاه معماری معاصر هر سرزمین بدون شناخت از تحولات معماری مناطقی که دارای اشتراکات فرهنگی، دینی، منطقه ای و سیاسی با آن می باشند، امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین در این مقاله تلاش شده است نقش جریانهای سیاسی سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵ در معماری ایران و ترکیه بررسی شود و در این راستا نقش رضاشاه و آتاتورک به عنوان نخبگان سیاسی مورد مطالعه قرار گیرد. روش تحقیق بصورت تحلیل محتوا و بررسی تطبیقی نمونه های موردی معماری ترکیه و ایران است تا تاثیر جریان یاد شده مورد تحلیل قرار گیرد. تحقیقات بیانگر تعامل بین معماری و سیاست است که با استفاده از آن می توان عوامل تاثیرگذار بر معماری را شناسایی و تا حدودی سبک و سیاق معماری را قابل پیش بینی نمود. این مقاله در نتیجه گیری استدلال می کند که سیاست در کشورهای خاورمیانه، با توجه به وضعیت تاریخی و فرهنگی آنها، اقتضائات خاص خود را داشته و با وجود استراتژی های موازی در عرصه های سیاسی رضا شاه و آتاتورک، معماری مدرن در ایران و ترکیه بصورت متفاوت نشان داده شده است. از سوی دیگر تفاوت های فردی رضاشاه و آتاتورک در تعامل با این خصوصیات نیز باعث تفاوت معماری دو کشور بوده است.

واژگان کلیدی: جریان های سیاسی، معماری ایران و ترکیه، نخبگان سیاسی

۱- مقدمه

همزمان با برخورد و تماس حوزه های تمدنی با همدیگر و ورود یا تحمیل پارادایم مدرنیزاسیون به کشورهای حاشیه ای و آغاز نوسازی اقتصادی، بسیاری از ساختارهای سنتی نیازمند تطابق با مناسبات جدید بودند. به واسطه درهم تنیدگی نهادهای اجتماعی و سازگاری آنها، تغییر در حوزه اقتصادی، ناگزیر تغییرات حوزه های دیگر را به دنبال داشت و از اینرو کشورهایی که به جهان سوم شهره هستند، خود را با لزوم تحولی بنیادین در عین و ذهن مواجه دیدند. حوزه سیاست نیز از این قاعده برکنار نماند و با منطبق نوینی از اعمال و توزیع قدرت روبه رو شد که ساختارهای سنتی از عهده آن بر نمی آمدند و تجدید ساختار سیاست ضروری می نمود. از سویی گروهی از نخبگان سیاسی این کشورها با فرهنگ سیاسی سنتی اجتماعی شده بودند و حاضر به پذیرش منطبق نوین سیاست نبودند و از طرفی دیگر برخی نخبگان اجتماعی نیز منافع خود را در اعمال قواعد نوین ارزیابی می کردند؛ در نتیجه این دو گروه از نخبگان، دو جبهه در کشورهای درحال توسعه گشودند که اثرات بسیاری در آینده این کشورها به جا گذاشت (فرهادی و کاظمی، ۱۳۹۶). در منطقه خاورمیانه و سال های بین دو جنگ جهانی برخی رهبران سیاسی قدرتمند نظیر رضاشاه در ایران و آتاتورک در ترکیه پروژه تعامل مدرنیته و ملی گرایی پر حرارت را در برنامه های